دنیا به روایت تصویر

کارناوال شادی در روز ببر در «ولادی وستوک» روسیه! عکس از خبرگزاری تاس

مراسم صبحگاه مشترک یگان‌های نمونه ارتش، عکس از خبرگزاری صداوسیما

آب‌تنی کودکان در محله‌ای در جنوب شرقی حاشیه شهر اهواز موسوم به «گاومیش آباد»، عکس از خبرگزاری مهر

در محضر بزرگان

راه مبارزه با نفس چیست؟

مرحوم آیت‌ا... حق‌شناس در توصیه‌ای درباره مبارزه با نفس و نزدیکی به خداوند گفته‌اند:
«ابلیس شاگرد نفس است، اگر شما بخواهید این‌نفس را که استاد شیطان است بکوبید و رام کنید، باید خود را فقیر کنید. باید خودتان را در مقابل عظمت حضرت حق هیچ بدانید. بعد از این مرحله، مرحله شب‌زنده‌داری است، این دو راه، راه مبارزه با نفس است.»

برگرفته از پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه

نوواژگان

ناب

ناب به معنی خالص است. مثلاً می‌گویند: گلاب ناب قمصر. «اوریجینال» هم معنای اصل و خالص می‌دهد اما هیچ‌گاه نمی‌گوییم گلاب اوریجینال قمصر! پس چرا درباره کالاهای دیگر مثل گلاب عمل نمی‌کنیم؟ واژه «ناب» در بسیاری موارد، می‌تواند جایگزین خوبی برای «اوریجینال» باشد. کافی است چشمتان را به یک جنس که در دسترس‌تان هست و تا حالا به آن می‌گفتید اوریجینال، بدوزید و چند بار بگویید: این جنس ناب است. شک نداشته باشید که جایگزینی به راحتی شکل می‌گیرد. می‌ماند لذتی که شما می‌برید از خدمت به فرهنگ کشورتان که آن هم گوارای وجودتان.

اسماعیل فریدونی

بریده ها

صدای کلیک

به سالن بزرگی رسیدم. هر صد یا صد و پنجاه نفرمان را داخل سالن جای دادند. سپس در بسته شد و کسی، قفل بزرگی روی در انداخت. وقتی برای اولین بار در همه عمر، دری را به رویت قفل کنند، احساس غریبی به تو دست می‌دهد. آن قفل انگار با تو حرف می‌زند. می‌گوید: «عجالتاً زندگی کردن برای تو قدغن است. حالا این پشت بمان تا تصمیمی برایت بگیرند.» صداهای گوش‌خراشی که از بسته شدن لنگه‌های آهنی در، کشیده شدن دسته و چرخیدن قوسی قفل توی گیره‌ها درست می‌شود، همه، به یک «کلیک» ختم می‌شوند و آن لحظه‌ای است که زندانبان، قفل را میان دستانش بفشارد و زبانه‌های آن در هم بروند و چفت بشوند. این «کلیک» کوچک، یکی از ناامیدکننده‌ترین صداهایی است که در این گنبد دوار می‌ماند. من هزاران بار این «کلیک» را شنیده‌ام.

کتاب «آن بیست و سه نفر» اثر احمد یوسف‌زاده

یادش بخیر

کاریکلماتور

* هوای پاک دود شد و به هوا رفت.
* بعضی‌ها بدون دخالت دست، پول را بالا می‌کشند.
* در هوای گرگ و میش، گرگ به گله میش زد!
* پاییز با مهر شروع و با شمارش جوجه‌ها تمام می‌شود.

رضا وارسته

پند نیکان

اندکی صبر

پاییز بهاری

این پاییز
به اعتبار گرمی دست‌هایت
دنباله روی بهار می‌شود
حالا می‌بینی
درخت‌ها به یلدا نرسیده
شکوفه می‌دهند

نیلوفر ثانی

دور دنیا

زندگی در جاده!

بورد پاندا/ «رومیان ولین» جوان ماجراجوی آمریکایی همیشه به دنبال تجربه‌های جدید و زندگی پر از هیجان بود برای همین با وجود درآمد بسیار خوب و خانه و خودرو، توانست همسرش را متقاعد کند که هرچه دارد بفروشد و به جای آن با خرید یک کامیون که به آشپزخانه و اتاق خواب و همه امکانات خانه مجهز است، در سفر و جاده‌های قاره آمریکا زندگی کنند! از نظر خیلی‌ها کار آن‌ها احمقانه است، اما خودشان به همراه پسر ۴ ساله‌شان از تصمیم‌شان بسیار راضی‌اند!

رکورد عجیب!

گینس ورلد رکورد/ کتاب رکوردهای گینس سرشار از رکوردهای عجیب و در بعضی موارد بی‌اهمیت است! یک جوان سوئیسی به نام «کوین دکلو» هم به تازگی رکورد جالبی را ثبت کرده است. او که از کودکی متوجه شد استعداد عجیبی در راه رفتن روی دستانش دارد، توانست یک بار در ۱۸ سالگی و به تازگی در ۲۵ سالگی رکورد سریع‌ترین زمان پایین آمدن از ۵۰ پله روی دست را بشکند. او در مدت ۱۴/۵۸ ثانیه این کار را انجام داد!

رکورد زنی در آتش!

گینس ورلد رکورد/ یک بدلکار معروف اتریشی به نام «جوزف تدلر» به تازگی رکورد عجیب و غیرقابل باوری را به نام خودش ثبت کرده است. او ۵۰۰ متر در حالی که بدنش کاملا در آتش بوده، توسط یک اسب روی زمین کشیده شد! هر چند او تمام سطح بدنش را به ژل خنک کننده و ضد حریق آغشته کرده بود و لباس ایمنی مناسب هم پوشیده بود اما باز هم ثبت این رکورد خطرناک، دل شیر می‌خواهد!

سلفی با مار خشمگین!

ایندیا تودی/ عکس سلفی انداختن در موقعیت‌های خطرناک، تاکنون قربانیان زیادی گرفته است اما هنوز هم عده‌ای از این کار دست برنداشته‌اند. به تازگی یک مار پیتون غول پیکر در مدرسه‌ای در شهر دهلی نو باعث وحشت دانش‌آموزان شد. معلمان این مدرسه هم بعد از این که با این مار عکس یادگاری گرفتند، شروع به انداختن عکس سلفی برای اثبات شجاعتشان کردند! اما در نهایت این حیوان، شانه یکی از کسانی را که می‌خواست با او سلفی بگیرد نیش زد!

حکایت ماست

استفاده اختصاصی!

به یکی از مدیران ادارات گفتند: «استفاده اختصاصی از خودروهای دولتی ممنوع است.» گفت: «اختصاصی نیست، خانواده‌ام را هم سوار می‌کنم!»

کتاب «حالا حکایت ماست» اثر عمران صلاحی

زوم

Telegram: @zendegiisalam
E-mail: photo@khorasannews.com

خط آهن شمال در مسیر جنگل‌های شهرستان سوادکوه استان مازندران، عکس از حسن مقدسی

خلاقیت در پیاده‌رویی در شهرساری

- من تنها انگیزه‌ام واسه مدرسه رفتن زنگ ورزش بود اگه نبود الان بی‌سواد بودم!
- قدیما با تلفن لیوانی‌ها از این اتاق با اون اتاق حرف می‌زدیم... الان علم پیشرفت کرده با تلگرام این کار رو می‌کنیم!
- یک بار یک کرمه ناراحت نشسته بوده یک گوشه، رفیقش میاد می‌گه‌چی شده؟ چرا زالوی غم بغل گرفتی؟
- کاش پشه‌ها به جای خون از چربی اضافه بدن تغذیه می‌کردن بعد دیگه هیچ پشه‌ای محکوم به مرگ و هیچ انسانی چاق نبود!
- من اگه تو بیمارستان از خواب بیدار شم یک پرستار بیاد بالا سرم بگه شما ده سال تو کما بودین بهش می‌گم بذار پنج دقیقه دیگه بخوابم!
- بالاخره یه روز خوب میاد که وقتی می‌ریم دانشگاه، به جای خودکار و دفتر، بالش ببریم سر کلاس!
- گاوصندوق، برخلاف ظواهر، به کار نگهداری یا اختفای گاوها نمی‌آید؛ چنان که گورخر هم محل مناسبی برای دفن خر یا هیچ چهارپای نجیبِ دیگری نیست!

Like Comment

دی روزنامه

روانشناسی قبض‌ها

شاید یادتان نیاید زمانی که برای پرداخت قبض‌ها باید با یک مشت پول خرد به اندازه مبلغ قبض در صف بانک می‌ایستادیم تا کارمند بانک زحمت ثبتش را بکشد. هنوز فناوری این‌قدر پیشرفت نکرده بود که حتی از داخل خانه بتوانیم در طرح آمارگیری کشوری شرکت کنیم و ساعت‌ها پشت رایانه بنشینیم تا اینترنت وصل شود و سایتش بالا بیاید و کار کند! جالب است بدانید امروزه که بیشتر مردم با خودپرداز قبض‌هایشان را پرداخت می‌کنند، از رفتارشان در این صف‌ها می‌توان فهمید هر کسی چه قبضی را می‌خواهد پرداخت کند.

* اگر ابروهایش از تعجب بالا بود و زیر لب با خودش چیزی می‌گفت و هی چشم‌هایش را باز و بسته می‌کرد، قبض آب دارد. با دیدن مبلغ روی آن دارد کشف می‌کند این تبصره‌ها و بندها و مبالغ عجیب‌وغریب از کجا آمده که از خود آب‌بها هم بیشتر شده و کی این‌همه آب مصرف کرده‌اند که یادشان نیست. به این شخص نزدیک نشوید!
* اگر با ماشین حساب جمع و تفریق می‌کند و قبض را پشت و رو می‌کند و سرش را می‌خاراند، قبض برق گرفته. در حال بررسی مصرف مازاد بارها و حساب کردن جریمه اوج بار و تخفیف کم‌باری است. حواس این شخص را هم پرت نکنید!
* اگر عصبانی و مستأصل است و پیامک می‌فرستد، بدانید قبض موبایل دارد و بعد از دیدن مبلغ سرویس‌های ارزش افزوده زوری، دارد هی «خاموش» و «لغو» و «off» را به این شماره و آن شماره می‌فرستد. ترجیحاً با این شخص هم کاری نداشته باشید!
* اگر همان حالت بالا را دارد ممکن است فیش اینترنت هم داشته باشد. چون بعد از کاهش دستوری قیمت‌های اینترنت، شرکت‌ها چنان بسته‌هایی ارائه می‌دهند که از قبل هم گران‌تر درمی‌آید. ولی کاربران چاره‌ای ندارند، برای همین خیلی بهش نزدیک نشوید، چون مجبور است، مجبور!
* اگر بی‌تفاوت است و اطراف را نگاه می‌کند، می‌خواهد قبض گاز بدهد. چون فعلاً قیمتش زیاد نیست و دارد خودش را برای زمستان آماده می‌کند. بهترین شخص برای باز کردن سر صحبت است!
* اگر می‌خندد و عین خیالش نیست، مطمئن باشید قبض تلفن در دست دارد. زیرا این روزها کمتر کسی با تلفن ثابت کار می‌کند و هزینه‌هایش در حد آبونمان است. می‌توانید با این فرد حرف بزنید و حتی شوخی کنید!
* اگر هم عصبانی است و خودش را لعنت می‌کند و هم عجله دارد، سه احتمال وجود دارد: یا فیش بیمه دارد، یا قبض عوارض و یا قبض جریمه خودرو. چون چاره‌ای جز پرداخت ندارد و عجله‌اش هم برای این است که تا مبلغش بیشتر نشده و بهش جریمه دیرکرد نخورده و مثلاً مشمول تخفیف است، قال قضیه را بکند. ترجیحاً سعی کنید با این افراد اصلاً توی صف نایستید، چون اعصاب ندارند و ممکن است یک کاری دست خودشان و شما بدهند!

علیرضا کاردار

سفرنامه

توصیف جهانگرد اروپایی از تاجر آسیایی

کنت دوگوبینو، مأمور فرانسوی عصر قاجار درباره بازرگانان آسیایی می‌گوید:
[انسانِ] آسیایی، نبوغ بازرگانی خاص خودش را دارد. حریص است، در معامله خونسرد است، معمولاً کم‌جرات است، اما حوصله‌اش با گذشت سال‌ها برابری می‌کند (یعنی هرچقدر مسن‌تر می‌شود، باحوصله‌تر می‌شود) و هرقدر ثروتمند باشد جز سود چیزی نمی‌شناسد، به سود کم راضی نیست، همه چیز در نظرش بزرگ جلوه می‌کند و بالاخره خرج کردن بلد نیست و هرگز خرج نمی‌کند. آن‌قدر در صرفه‌جویی افراط می‌کند که به حد خست می‌رسد. مردم او را تحسین می‌کنند، مشهور می‌شود و وقتی به احداث بیمارستان، مسجد، مدرسه، مرمت جاده‌ها و حفر قنوات کمک می‌کند، به او مانند یک انسان خاص می‌نگرند اما همین که لباس‌های فاخر بپوشد و بخواهد از لذات زندگی استفاده کند، همه با نفرت و تحقیر به او می‌نگرند.

«سه سال در آسیا» اثر ژوزف آرتور دوگوبینو

رادیو الان

رکوردهای جهان در زمینه تعطیلی لیگ و ممیزی سریال جابه‌جا شد

سلام و خدا قوت، این روزها و بعد از صحبت‌های وزیر ورزش، بحث هزینه‌های میلیاردی باشگاه استقلال که برای خرید بازیکن ۲۸ میلیارد هزینه کرده و ۲ میلیاردش رو داده به دو بازیکنی که مجموعا تا حالا ۴۵ دقیقه هم بازی نکردن، خیلی داغ شده! ولی بدونین و آگاه باشین مشکل فقط هزینه‌های استقلال نیست، کل لیگ برتر فوتبال کشور کلهم اجمعین و کل یوم تعطیل می‌باشد! دوتا بازی می‌کنن یک ماه میرن تعطیلات، یک بازی می‌کنن باز یک ماه میرن تعطیلات، یعنی در حقیقت بین تعطیلات، گهگاهی فوتبال بازی می‌کنن تا مملکت بدون حاشیه و سوژه نباشه! اون وقت پول هم می‌گیرن حسابی! یعنی شما همین الان تو گوگل بزن تعطیل+ضایع+چه وضعشه؟ بلافاصله نتیجه جست‌وجو، لیگ برتر فوتبال ایران رو نشون می‌ده! جالبه لیگ به بهانه عطسه رقیب ایران تو مقدماتی جام جهانی یا پیدا شدن مو تو غذای بازیکنان تعطیل می‌شه و تیم ملی می‌ره اردو و در نهایت روز قبل از بازی تیم ملی، بازیکنان لژیونر که تو لیگ ایران نیستن میان فیکس بازی می‌کنن! برای همین می‌تونین تو گوگل بزنین تعطیل+حاشیه+پول مفت، باز هم لیگ برتر فوتبال ایران رو نشون می‌ده! حتی اگه بزنین سنسور+ممیز باز هم لیگ برتر رو نشون نمی‌ده دیگه! هر بار که نباید لیگ برتر رو نشون بده! شوخی هم حدی داره! شما اگه بزنین سنسور+ممیز گوگل لوگوی شبکه نمایش رو نشون می‌ده چون فکر می‌کنه شما می‌خواستین بزنین سانسور+ممیزی! حتی اگه بزنین آباژور هم بازم لوگوی شبکه نمایش رو می‌بینین! این شب‌ها که از فوتبال خبری نیست برای این که مردم بدون سوژه نمونن شبکه نمایش سریال معروف و تماشایی «خانه پوشالی» محصول نتفلیکس آمریکا با بازی کوین اسپیسی رو نشون می‌ده! بعدش چنان دیالوگ‌ها رو فنی تغییر می‌دن که هم مضمون سریال عوض نشه هم بچه‌های مردم نفهمن ماجرا چه جزئیات منشوری داره! به قول هانیکو زندگی منشوری است در حرکت دوار! الان جوری شده که خود دیوید فینچر کارگردان سریال، شبکه نمایش ما رو نگاه می‌کنه و متعجبه چرا این دیالوگ‌های مودبانه که منظور رو هم می‌رسونن به عقل خودش نرسیده! به عنوان مثال در نسخه اصلی سریال این دیالوگ بود: «بیییب، مرتیکه بیییب و هفت جدبیییب‌تر از خودت» اما در نسخه شبکه نمایش می‌بینیم که می‌گن: «لطفاً نوشیدنیت رو بخور و برو کنار اون آباژور بشین تا من برات چای بریزم، بیام و درباره لایحه کنگره با قید سه فوریت بحث خیلی جدی داشته باشیم!»

سیدمصطفی صابری

باس ماس

نویسنده: سید مصطفی صابری، تصویرساز: سعید مرادی

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۹۹۹

* با احتساب «خفن‌استریپ» دیروز، همه‌اش ۱۰۵ تا مسابقه گذاشتین. بعد طرف واقعاً ۱۰۶ تا پیامک داده؟

ماوشما: عددهایی که اعلام کردیم، کل تعداد پیامک‌هایی بود که برای «خفن‌استریپ» فرستاده بودن. یه سری‌اش هم پیامک تکراری و پیامک پیشنهاد ایده بوده و به همین دلیل هم گفتیم بالای ۹۰ تا رو ستاره‌دار می‌کنیم و بعد از بررسی، نتیجه نهایی‌اش رو اعلام می‌کنیم.

* مطلب «خاطره‌بازی» واقعاً عالی بود و من رو به دوران مدرسه خودم برد.
* ستون «سرک» واقعاً بیمزه است، یه ذره از آق کمال یاد بگیرین! مرسی اه! ستاره
* به مهدی خجسته مرد زندگی‌ام می‌گم که عاشقانه دوستت دارم. ریحانه، مشهد
* «خاطره‌بازی با آغاز مدارس» حرف نداشت. اشکمون رو درآوردید.

جواب خفن‌استریپ شماره ۱۰۵: بخت‌برگشته، عاشق پیشه و ورشکسته